

# سازمان ملل و مسئله صلح در افغانستان

سرمقاله

## راهی به سوی صلح

حفیظ الله زکی

یک و نیم دهه است که جنگ با طالبان در افغانستان جریان دارد. در این مدت نه تنها این گروه از بین نرفته که قدرت و نفوذ این گروه از رشد و گسترش روز افزون نیز برخوردار بوده است. زمانی که ائتلاف جهانی مبارزه با تروریسم وارد افغانستان شد، توانست به حاکمیت این گروه در افغانستان خاتمه دهد و رهبران، فرماندهان و افراد عادی این گروه را مجبور سازد تا به کشورهای خارج فرار کنند. ولی این گروه با استفاده از سیاست های مهم و ناهمگن جامعه جهانی در افغانستان، توانست بارگردد وارد کشور گردد و به تدریج دامنه نفوذش را به مناطق و ولسوالی های دور دست گسترش دهند.

از آن زمان تا کنون سال به سال قلمرو تحت تصرف طالبان بیشتر شده و مناطق وسیع تری را پوشش داده است. در دو سال اخیر طالبان به هدف سقوط حکومت، ساحات جنگ را توسعه دادند. آنها توانست مرکز ولایت کندز را برای مدتی اشغال کنند و مراکز ولایت های هلمند، فراه و ارزگان را در معرض تهدید جدی قرار دهند.

اکنون طالبان در جبهات نظامی قدرت شان را به نمایش می گذارند و به صورت روبروی با سربازان اردو و پولیس ملی می جنگند. پس از پانزده سال هم جامعه جهانی و هم دولت افغانستان به این نتیجه رسیده اند که افغانستان راه حل نظامی ندارد و جنگ های جاری در این کشور پیروز قطعی ندارد. بنابراین بر این اساس جنگ نه برد است و نه برد و باخت؛ بلکه این جنگ به چیزی جز باخت منجر نخواهد شد.

به این دلیل نقش روند صلح در افغانستان بر حسته می شود و این روند بیش از پیش برای آینده این کشور اهمیت می یابد. ولی مشکل این است که پروسه صلح سال هاست که در افغانستان شروع شده و میلیون ها دالر بودجه صرف کرده است، اما کمترین موفقیتی به همراه نداشته است. شورای عالی صلح در واقع یکی از بیکاره ترین و پر مصرف ترین نهادهایی است که از آغاز تشکیل تاکنون دستاورد ملموس و مشخصی نداشته است. پس این سوال مطرح می شود که آینده افغانستان به کجا ختم خواهد شد؟ وقتی جنگ در این کشور راه حل نظامی نداشته باشد، و زمانی که شورای عالی صلح کاربردش را از دست داده باشد، پس چه باید کرد؟ چه راه حلی را می توان برای بحران امنیتی افغانستان پیشنهاد نمود؟

توجه به واقعیت های جنگ افغانستان بدون شک ما را به سوی راه حل معقول و منطقی هدایت خواهد کرد. واقعیت این است که جنگ افغانستان زمینه های داخلی دارد؛ اما ریشه های این جنگ از خارج آب می خورد. رهبران طالبان در کشورهای خارجی به سر می برند و از آنجا جنگ در افغانستان را سازماندهی می کنند. نیروهای طالبان پس از انجام عملیات به کشورهای همسایه پناه می گیرند. افراد گروه های شورشی توسط جتران کشورهای خارجی آموزش داده می شود و از سوی کشورهای خارجی تجهیز می شوند و از طرف آنها کمک های هنگفت دریافت می کنند. پس تا زمانی که منابع خارجی کمک های طالبان مسدود نشود و تا هنگامی که جغرافیای کشورهای دیگر به عنوان یک عقبه امن از اختیار طالبان بیرون نرگردد، پایانی برای این جنگ متصور نخواهد بود.

اگر جامعه جهانی می خواهد در افغانستان صلح و آرامش حکم فرما شود، باید به این نکته توجه داشته باشد که مداخلات کشورهای همسایه و منطقه در امور امنیتی افغانستان می تواند میزان حساسیت ها و بدبینی های منطقوی را بیشتر سازد. سازمان ملل با توجه به مسؤلیت هایش در حفاظت از امنیت بین المللی، باید توجه اعضای این سازمان را به آوردن فشارهای بیشتر بر کشورهای می می به گونه مستقیم و غیر مستقیم از تروریسم و حامیان آنها حمایت می کنند، جلب کند. اگر جامعه جهانی راهکارهایی را جهت قطع منابع مالی و تسلیحاتی طالبان و سایر هراس افکنان جستجو کند و پناگاه های این گروه را در خارج افغانستان نابود سازد، آنگاه این گروه ممکن است گفتگوهای صلح با حکومت افغانستان را بپذیرد.

نماینده ی ویژه ی سرمنشی سازمان ملل متحد برای افغانستان در نشست شورای امنیت سازمان ملل متحد گفته است که: «گفتگوهای صلح بدون هیچ پیش شرطی برای آینده ی افغانستان ضروری است.» آقای تادامچی یاماموتو در این نشست همچنان از جامعه جهانی و همه ی افغان ها به شمول گروه طالبان، خواست تا از یک پروسه ی صلح برای پایان دادن به درد و رنج تمام مردم افغانستان، حمایت کنند.

نماینده ی خاص ملل متحد برای افغانستان در این نشست گفت: «وارد شدن به پروسه ی صلح جرات می خواهد، با جنگ پایان ناپذیری که افغانستان را ویران کرده است، این موضوع پذیرفتن شکست نیست، بلکه شناسایی واقعیت است.» نماینده ملل متحد از گروه های درگیر در افغانستان خواسته است تا منافع مشترک شان را شناسایی بکنند، او همچنان از گروه طالبان یاد کرده است. هیچ پیش شرطی وارد گفتگوهای صلح با دولت افغانستان شود.

آوردن صلح در افغانستان همچنان یکی از مسئولیت های دولت افغانستان است، یکی از مأموریت های سازمان ملل متحد نیز به شمار می رود. اما هم دولت افغانستان و هم سازمان ملل متحد، در این زمینه ناکام بوده اند و با تشدید نا امنی ها و تنش های سیاسی درون حکومتی، صلح به یک رویایی دست نیافتنی برای مردم افغانستان تبدیل شده است.

در طول یک و نیم دهه گذشته سازمان ملل متحد نقش کلیدی در روند توسعه و بازسازی افغانستان داشته است. این نهاد معتبر بین المللی در این سالها نقش هماهنگ کننده کمک های بین المللی در افغانستان را داشته است و توانسته است راه جنگ و استفاده از اسلحه را کنار بگذارد. تلاش های سازمان ملل بعد از حمله ی یازده سپتامبر، وارد مرحله ی جدیدی شد. سازمان ملل در نقش میانجی میان گروه ها و احزاب سیاسی افغانستان عمل کرد و کنفرانس بین را در مورد افغانستان برگزار کرد و سرنوشت و مسیرسیاسی کنونی افغانستان در این کنفرانس رقم خورد. پس

جامعه شناسان بشر را موجودی اجتماعی توصیف کرده اند. بدین معنی که هر فردی ذاتا نیاز به روابط با محیط اجتماعی خود دارد. اهمیت غیرقابل انکار این روابط را هنگامی به درستی درمی یابید که خود را در موقعیت تنها در شهری قرار دهید. تصور کنید روزی از خواب بیدار و متوجه شوید که جز شما دیگر کسی در این شهر ساکن نیست، همه رفته اند و شما تنها صاحب یک شهر شده اید. اگر در ترس دچار ایست قلبی نشوید، شانس آورده اید. اما تجربیات بعدی شما از این هم مهم تر است. به یکباره تمامی آرزوهای خواسته های قلبی تان هیچ و بوج می شوند. زمانی در حضور دیگر آدمیان در آرزوی داشتن خانه مستقل و ماشینی شیک بودید ولی اکنون یک شهر پر از خانه و ماشین دارید که برای شما بی ارزش شده اند. حالا شما تنها یک آرزو بیشتر ندارید اینکه با یک همون خود روبرو رو شوید تا بتوانید با او کلامی رد

### کارتون روز

بدون شرح



مهدی مدبر



باشد، با میانجیگری این نهاد بین المللی، هر یک از طرف های درگیر در پروسه صلح به گفتگوهای صلح اعتماد کرده و بدین ترتیب بدبینی ها و رقابت های منفی در این پروسه خاتمه می یابد. تامین صلح در افغانستان، رقابت های منفی کشورهای بیرونی و بدبینی آنها نسبت به همدیگر می باشد. بسیاری از آنها، صلح در افغانستان را با منافع شان سازگار نمی دانند و به همین خاطر برای تخریب پروسه صلح دولت افغانستان تلاش می کنند. به عبارت دیگر هنوز این ایده به وجود نیامده است که صلح در افغانستان می تواند به نفع تمام کشورهای همسایه و کشورهای منطقه باشد و از نفوذ و گسترش تروریسم در آن کشورها جلوگیری بکند. سازمان ملل متحد می تواند در بوجود آمدن چنین گفتگویی و طرح چنین ایده ی نقش مهم و اساسی بازی بکند و به عنوان یک نهاد قابل اعتماد برای همه، حمایت همگانی را برای پیش برد پروسه ی صلح افغانستان بدست بیاورد.

همچنان، نقش سازمان ملل متحد در پروسه ی صلح و نظارت این نهاد بر گفتگوهای صلح، می تواند نگرانی ها در مورد دست آوردهای یک و نیم دهه

از کنفرانس بین سازمان ملل کمک های فراوانی در شکل گیری حکومت افغانستان کرده است و همچنان همواره تلاش کرده است تا مخالفان دولت را به صلح ترغیب بکند، اما تلاش هایش برای صلح همچنان نکرده است. مخالفان دولت افغانستان همچنان که دعوت دولت افغانستان را بی پاسخ گذاشته است، دعوت نمایندگی سازمان ملل متحد در افغانستان را نیز، لیبیک گفته و به نظر نمی رسد که به دعوت تازه ی نماینده ویژه سرمنشی سازمان ملل متحد برای افغانستان، نیز توجهی نشان دهند.

در واقع سازمان ملل تلاشهایش برای تامین صلح در افغانستان را از دهه ی هشتاد میلادی آغاز کرد، بعد از آن، در هر دوره ی از جنگ در افغانستان، سازمان ملل تلاش کرده است که طرف های جنگ، از راه گفتگو مشکلات شان را حل بکنند و جنگ و استفاده از اسلحه را کنار بگذارند. تلاش های سازمان ملل بعد از حمله ی یازده سپتامبر، وارد مرحله ی جدیدی شد. سازمان ملل در نقش میانجی میان گروه ها و احزاب سیاسی افغانستان عمل کرد و کنفرانس بین را در مورد افغانستان برگزار کرد و سرنوشت و مسیرسیاسی کنونی افغانستان در این کنفرانس رقم خورد. پس

## سیاست و قدرت

محسن قانع بصیری



اطلاعات از طریق کاربرد همان مناطقی که زاینده شده است. بنابراین سه مرحله آموزش پدید می آیند که در فهرست زیر آورده ایم. ۱) مرحله خواندن و جمع آوری اطلاعات که در دوران های آموزشی از دبستان تا دانشگاه آموزش آنها انجام می شوند. ۲) مرحله به کارگیری اطلاعات با توجه به منطق های موجود. این مرحله در تمامی سازمان های کار انجام می شود. ۳) مرحله استفاده از اطلاعات برای پژوهش و زایش منطق های جدید؛ که فرآیندهای آموزشی آن در دوره های بالای دانشگاهی و آموزش حین کار ضرورت پیدا می کند. ۴) مرحله سرمایه های منجمد شده پیوند داد و طلاها را از درون صندوق های بسته بیرون کشید و وارد ساختار مبادلاتی جهان کرد؛ روندی که جزیره کوچک بریتانیا را به یک امپراتوری جهانی بدل کرد. در این شرایط چرخه قدرت خارج شدند. در حالی که تنها بدنامی حاصل از غارت طلاهای امریکا ویتال آنها شده بود.

بگذریم، می خواستیم بگویم که تبدیل جنسیت قدرت از سیاسی به سیاسی - اقتصادی، نیرویی به وجود آمد که قدرت های کلاسیک قبلی دیگر تاب مقاومت نداشتند. پس این را نادانستند ضمن همین قدرت جدید توانست از طریق همان روند کار، نیرویی نظامی برای خود تدارک کند که تا آن روز حتی در تحویل همان کلاسیک های قبلی نیز شکل نمی گرفت. نتیجه یی که می توان از این بحث گرفت این است که هر چه قدرت از قلمرو یکسویه نظامی - سیاسی به قلمروهای چندسویه سیاسی - اقتصادی و سرانجام فرهنگی گام می گذارد، در همان نسبت فضای آزاد برای تحرک فرد آن هم به صورت خلاق بیشتر شده و زمینه گسترده تری برای توسعه پدید می آورد. علت نیز کاملا روشن است.

اعتقادات و سلاقی شخصی خود سامان بخشی کنیم چیزی جز بحران در همان ارزش ها و اعتقادی که خود را متولی آنها می دانیم برداشت نخواهیم کرد. ارزش آزادی در عرصه روابط اجتماعی آن است که تنها از طریق فضایی که آزادی می آفریند می توان میدان روابط میان فرد با جمع را خلق کرد. آنان که می خواهند تنها براساس عقاید و ارزش های خود این روابط را سامان بخشی کنند باد می کارند و توفان در می کنند.

در اینجا نباید به ارزش توسعه علمی و به ویژه افزایش ظرفیت های آموزشی بی توجه بود. در قلمرو نظریه های آموزشی آن دسته از آثاری از آموزش هدف این روند مهم تلقی می شوند که بتوانند موجب رشد توان خلاقیت و زاینده گی فرد شوند. بنابراین آن دسته از آموزش های که منجر به فعال کردن قوه نقد و تحلیلی آن در فرد نشده و تنها حافظه وی را برای ذخیره کردن مشتکی اطلاعات فعال کنند نه تنها ارزش تلقی نمی شوند بلکه به خصوص در عصر ما ضرورت نیز تلقی می شوند. روزگاری بود که به سبب محدودیت شدید در وجود منابع ذخیره یی و نبود کاستی در تکنولوژی های عرضه و توزیع اطلاعات فرد ناچار بود حجم زیادی در ذهن خود را صرف حافظه کند. در این شرایط استفاده از حافظه نوعی ارزش تلقی می شد اما در عصر ما که سیستم های ذخیره یی و عرضه اطلاعات می رود تا عمومیتی اجتماعی پیدا کند ارزش فرد نه در ذخیره که در به کارگیری اطلاعات است. این بدان معنا است که هدف آموزش از ارزش های مدرسی و ذخیره یی به ارزش های به کارگیری خلاق اطلاعات انتقال یافته است.

می دانید که اطلاعات در قلمرو کاربرد از دو مرحله عبور می کند؛ مرحله اول تبدیل اطلاعات به ایده ها و منطق (عقول) است. جدید است و در مرحله دوم به کارگیری

و بدل کنید و از این هراس کلافه کننده تنهایی رهایی یابید. شاید هیچ معرفت و دانایی مهم تر از این تجربه، یعنی تجربه تنهایی نباشد. پس انسان هنگامی انسان است، هنگامی صاحب خواسته ها و ارزش ها می شود، هنگامی زندگی کردن را تجربه می کند، یا بهتر بگوییم زمانی خود را می یابد که با دیگری مواجه شود. بدون حضور دیگری، بدون حضور در فضای اجتماعی و مقابله و رابطه با دیگر انسان ها نه فروتنی در ما شکل می گیرد و نه نظام ذهنی عقول و اخلاق زیستن در ما پدیدار می شود.

از این منظر آنان که فضای ارتباط اجتماعی را محدود می کنند و می خواهند آدمیان را از این نعمت آدم کننده محروم کنند، چه خود بدانند و چه خود ندانند بر ضد طبیعت خلق و زاینده فرد و جامعه عمل می کنند. تمامی مفاهیم اخلاقی و عقلایی آنگاه فعال می شوند که فرد بتواند آنها را در عرصه روابط اجتماعی تجربه کند. هر بزه و هر گناهی چه در عرصه زندگی مادی و چه در عرصه زندگی معنوی حاصل خلقی است که در روابط میان فرد با جامعه پدید می آید. این همه وسایل ارتباطی جور واجور، این همه سفر کردن ها و دنیا را دیدن برای آن است که آدمی بتواند به ارزش های حضور خلق و زاینده خود در جامعه یی ببرد و بتواند میان توان درونی و بالقوه خود از طریق روابط اجتماعی با توان بالفعل خود رابطه یی فعال پدید آورد.

اخلاق، هنر، علم، فن یا هر مقوله دیگری محصول همین ارتباطات است. این آنها نیستند که اجتماع را پدید می آورند، بلکه برعکس این جامعه است که آنها را پدید می آورد. هر چه رابطه میان فرد که در حقیقت اصلی ترین نماد زاینده گی و تغییر است با جامعه که خود تمایل به تکرار و ثبات دارد، فعال تر و بیشتر شود حاصل این تماس توسعه اجتماعی است و برعکس هر چه بیشتر بخواهیم این روابط را تنها براساس

روزنامه افغانستان ما از همه دانشمندان و نویسندگان

دعوت به همکاری می نماید.

هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.

مقالات وارده بازگردانده نمی شود.

مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و

تنها سرمقاله یانگتر

دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

www.dailyafghanistan.com

Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

بنیان گذار: دکتر حسین یاسا  
مدیر مسول: محمد رضا هویدا  
سرمدیر: حفیظ الله زکی

کاریکاتوربست: خالق علی زاده

دبژاین: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری  
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷-۱۳۷